

وعده

* حمایت مالی از گروه‌های تئاتری در سالن‌های دولتی
* تلاش برای تعمیم حمایت‌ها به سالن‌های خصوصی
* پیگیری پرداخت حق بیمه اعضای خانه تئاتر

برنامه

* افزایش کمک‌هزینه اجراها از ۴۰ به حدود ۸۰ میلیون تومان
* حذف سهم ۲۰ درصدی سالن از فروش بلیت
* خرید بخشی از صندلی‌های سالن توسط وزارت ارشاد

موعد وفا

* برنامه‌ها برای حمایت از گروه‌های تئاتری هم اکنون در حال اجراء است
* پرداخت حق بیمه اعضای خانه تئاتر و تعمیم حمایت‌ها به سالن‌های خصوصی نیز در مرحله رایزنی است

مدیرعامل خانه تئاتر در گفت‌وگو با «ایران» کمک‌های دولت را برای حمایت از هنرهای نمایشی روایت کرد

از اجاره رایگان سالن تا دو برابر شدن کمک هزینه اجرا



نمایی از مراسم یادبود شهدای مدرسه میناب با عنوان «حضور غیاب» که با همکاری خانه‌های تئاتر، سینما و موسیقی برگزار شد

اجتماعی داشته باشد و کارش را از دست بدهد، امکان استفاده از حداقل‌هایی در قالب بیمه بیکاری وجود دارد. اما این امکان عملاً برای بچه‌های تئاتر وجود ندارد. بعد از سال‌ها پیگیری، صندوق اعتباری هنر شکل گرفت و هنرمندان توانستند تحت پوشش بیمه قرار بگیرند، اما امروز که دقیقاً زمان ناز به حمایت‌هایی مثل بیمه بیکاری است، می‌بینیم این سازوکار برای برخی از هنرمندان پاسخگو نیست.

البته باید انصاف داشت. حضور سید عباس صالحی در وزارت ارشاد، چه در دوره قبلی و چه در این دوره، برای حل بسیاری مشکلات مؤثر بوده است. مهدی شفیعی هم به عنوان مدیری که از دل تئاتر می‌آید، مدتی به عنوان مسائل را دارد. البته جا دارد که ضعف‌ها و مشکلات مرتبط با هنرمندان به خصوص تئاتر به گونه‌ای تبیین شود که با تغییر یک مدیرسیدگی به امور دچار خلل نشود.

کجاست. اما درباره اقداماتی که انجام دادیم، باید بگویم انتصاب اتابک نادری به عنوان مدیرکل هنرهای نمایشی برای ما اتفاق مهمی بود. بیشترین تلاش ما در خانه تئاتر این بود که به عنوان یک نهاد صنفی، ارتباط مستقیم‌تری با وزارت ارشاد برقرار کنیم و از این مسیر، پیگیری حمایت از اعضا باشیم. قول‌هایی به ما داده شد و حمایت‌های کوچکی هم صورت گرفت.

در این مدت چند جلسه با دوستان برگزار کردیم تا بتوانیم این اتفاق‌ها را پیگیری کنیم. تلاش کردیم کسانی را که آسیب دیده‌اند شناسایی کنیم؛ چه آسیب‌های فیزیکی، چه آسیب به خانه و وسایل زندگی. تلاش کردیم این افراد را به نهاد‌های حمایتی معرفی کنیم. بخشی از کارشان انجام شده، اما هنوز به نقطه ایده‌آلی که می‌خواهیم نرسیده‌ایم.

در حوزه بیمه هم رایزنی‌هایی داشتیم تا برای بخشی از اعضای خانه تئاتر، حق عضویت سه‌ماهه بیمه تأمین اجتماعی از طرف وزارت ارشاد پرداخت شود، اما هنوز پاسخ قطعی نشده. یکی دیگر از اقداماتی که انجام شد، بازگشایی عمارت خانه تئاتر در خیابان سسمیه بود. این عمارت یکی از طرف‌های مهم ماست؛ هم از نظر درآمدزایی و هم از نظر جایگاه معنوی. این فضا مدت‌ها وقفه داشت. با حمایت اعضا، کمک وزارت ارشاد و همکاری شهرداری، توانستیم دوباره آن را بازسازی کنیم و اکنون عملاً آماده به کار است.

گفت‌وگو

حامد قریب

گروه فرهنگی

تئاتر ایران در یکی از دشوارترین مقاطع سال‌های اخیر ایستاده است. جنگ تحمیلی ۱۲ و ۴۰ روزه، محدودیت در اینترنت پس‌المثل، وقفه در اجراها و مشکلات اقتصادی برخی از هنرمندان تئاتر، این هنر را در وضعیتی قرار داد که به نظر می‌رسد مدیران مربوطه باید توجه بیشتری به ضعف‌های صنفی و مسائل حمایتی داشته باشند. در نظر داشته باشید هنرمندان تئاتر برخلاف بسیاری از مشاغل، با اولین چالش از کار بازمی‌مانند و بسیاری از آنها به خاطر برخی مشکلات مرتبط با بیمه، شامل دریافت کنندگان بیمه بیکاری نیز نمی‌شوند و این مهم سبب شده این هنرمندان در عین حالی که با سختی و دشواری در این حرفه فعالیت می‌کنند همواره متحمل آسیب زیادی هم شوند. از همین جاست که گفت‌وگوی «ایران» با علیرضا گیلپوری، مدیرعامل خانه تئاتر، فقط درباره چند تصمیم مقطعی نیست. با او درباره ضعف‌های قانونی در امور حرفه‌ای هنرمندان شاغل در عرصه تئاتر، حمایت‌های دولتی، صنفی و رفاهی صحبت کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

در یک سال گذشته، تئاتر ایران با چالش‌های متعددی به خصوص در ارتباط جنگ تحمیلی مواجه بود. خانه تئاتر در این دوره چه اقداماتی برای اعضای خود انجام داد و اساساً چه کاری می‌توانست انجام دهد؟

در یک سال گذشته با مجموعه‌ای از اتفاقات سخت روبرو بودیم؛ پیامدهایی که هرکدام مستقیم و غیرمستقیم بر هنرمندان و به‌ویژه هنرمندان تئاتر اثر گذاشتند. مسأله فقط خود جنگ تحمیلی نبود تبعات و حواشی آن شرایطی ساختند که ادامه کار را برای هنرمندان تئاتر بسیار دشوار کرد.

تئاتر در ظاهر هنری حضوری است، اما تبلیغ، اطلاع‌رسانی، فروش بلیت، ارتباط با مخاطب و بخشی از هماهنگی‌های تولید، همه به زیرساخت‌های ارتباطی وابسته است و به طور کلی اختلال در این مسیرها ما را با چالش روبرو می‌کند.

پیش از اینکه بگوییم خانه تئاتر چه کرده، باید صادقانه بپرسیم در چنین شرایطی اساساً چه کاری از دست ما برمی‌آید. مشکل اصلی اینجاست که در نظام صنفی، تئاتر پشتوانه کافی ندارد. قوانین موجود آنقدر که باید از جامعه تئاتر حمایت نمی‌کنند. در بسیاری از مشاغل، اگر فردی بیمه تأمین

اجتماعی داشته باشد و کارش را از دست بدهد، امکان استفاده از حداقل‌هایی در قالب بیمه بیکاری وجود دارد. اما این امکان عملاً برای بچه‌های تئاتر وجود ندارد. بعد از سال‌ها پیگیری، صندوق اعتباری هنر شکل گرفت و هنرمندان توانستند تحت پوشش بیمه قرار بگیرند، اما امروز که دقیقاً زمان ناز به حمایت‌هایی مثل بیمه بیکاری است، می‌بینیم این سازوکار برای برخی از هنرمندان پاسخگو نیست.

البته باید انصاف داشت. حضور سید عباس صالحی در وزارت ارشاد، چه در دوره قبلی و چه در این دوره، برای حل بسیاری مشکلات مؤثر بوده است. مهدی شفیعی هم به عنوان مدیری که از دل تئاتر می‌آید، مدتی به عنوان مسائل را دارد. البته جا دارد که ضعف‌ها و مشکلات مرتبط با هنرمندان به خصوص تئاتر به گونه‌ای تبیین شود که با تغییر یک مدیرسیدگی به امور دچار خلل نشود.

کجاست. اما درباره اقداماتی که انجام دادیم، باید بگویم انتصاب اتابک نادری به عنوان مدیرکل هنرهای نمایشی برای ما اتفاق مهمی بود. بیشترین تلاش ما در خانه تئاتر این بود که به عنوان یک نهاد صنفی، ارتباط مستقیم‌تری با وزارت ارشاد برقرار کنیم و از این مسیر، پیگیری حمایت از اعضا باشیم. قول‌هایی به ما داده شد و حمایت‌های کوچکی هم صورت گرفت.

برای ما مهم بود که این تولیدها فقط روی کاغذ نماند. حتی درباره عدد و رقم هم صحبت کردیم؛ با ارقامی معقول، نه با عددهایی که شأن کار حرفه‌ای را پایین بیاورد. این رایزنی‌ها اهمیت دارد، چون وقتی تولید شکل بگیرد، فقط یک کارگردان یا بازیگر مشغول نمی‌شود؛ مجموعه‌ای از نیروها فعال می‌شوند.

یعنی در این همکاری، حوزه هنری قرار نیست از نظر محتوایی روی آثار اعمال نظر کند؟

بحث اصلاً به این شکل مطرح نشد که ما بگوییم چه چیزی باشد یا نباشد. نکته‌ای که گفته شد این بود که شما آثار را تولید کنید و ما از آن قالب رپرتوار حمایت مالی می‌کنیم. حتی تأکید دوستان این بود که لزوماً قرار نیست این آثار در سالن‌های خود حوزه هنری اجرا شود و اگر امکانش فراهم شود، در سالن‌های تخصصی‌تر روی صحنه برود. نکته مهم‌تر این بود که استقبال کردند اگر آثار به کیفیت قابل قبول برسند، در شهرهای مختلف هم اجرا شوند. برداشت من این بود که نگاه مثبتی وجود دارد و تأکید اصلی بر تولید و کیفیت است، نه تحمیل نگاه خاص. ما با باشگاه سوره هم جلسه داشتیم و نگاه آنها برای من تا حدی غافلگیرکننده بود. دوستان باشگاه سوره از حمایت‌های کوچک‌تر، مثل در اختیار گذاشتن پلانتو، تا سرمایه‌گذاری در تولید آثار نمایشی اعلام آمادگی کردند. حتی می‌گفتند حاضرند بدون ذکر نام، حمایت کنند. این نگاه برای من جذاب بود. اما واقعیت این است که تا آن مسأله قانونی که اشاره کردم حل نشود، کار اساسی برای بچه‌های تئاتر نمی‌توان کرد.

وزیر فرهنگ در هفدهم فروردین درباره امکان جذب حدود ۷۰۰ همت از مسیرهای مسئولیت اجتماعی در حوزه فرهنگ و هنر صحبت کردند (اگر عدد را درست به خاطر داشته باشم). معتقدم اگر قرار است از مسیر مسئولیت اجتماعی، بودجه‌هایی وارد حوزه فرهنگ و هنر شود، تئاتر باید سهم مشخص خودش را داشته باشد. مثل اتفاقی که در معاونت سینمایی می‌بینیم.

بخشی از بحث به حمایت صنفی و بودجه مربوط می‌شود. اما بخش دیگر به خود هنرمندان مربوط است. آیا این وجود خود ندارد که حمایت از تئاتر به دخالت در خلایقیت هنرمندان تبدیل شود؟

اگر بخواهم خیلی شفاف پاسخ بدهم، باید بگویم هیچ‌کس در تئاتر یا دخالت دولت موفق نیست. من هم، نه خانه تئاتر و نه بدنه حرفه‌ای تئاتر. هیچ‌کس نمی‌پذیرد که حمایت به معنای کار دستوری باشد. طبیعی است که همه ما ذیل قانون کار می‌کنیم، اما آنجایی

خانه تئاتر در حال حاضر خودش هم یک سالن در اختیار دارد. این تجربه چه کمکی به این ایده می‌کند؟

بله و دقیقاً ما از خودمان شروع کرده‌ایم. عمارت خانه تئاتر در خیابان سسمیه بازگشایی شده است. این عمارت سالن و کافه دارد و همین دو بخش می‌توانند برای خانه تئاتر درآمدی ایجاد کنند. این درآمد ثابت می‌تواند به خانه کمک کند تا بخشی از حمایت‌های صنفی را انجام دهد و در عین حال برای اعضا فرصت کار ایجاد کند. چند گروه هم برای دیدن فضا آمده‌اند و متقاضی فعالیت هستند. قرار است با مدلی کار کنند که هم عدد ثابتی به خانه تئاتر برای هزینه‌های حمایتی پرداخت شود، هم از طریق فعالیت در سالن و کافه فرصت شغلی برای اعضا ایجاد شود. بنابراین خانه تئاتر می‌تواند پیشنهاد بدهد، الگو بسازد و از ظرفیت خودش شروع کند. اما باید روشن باشد که خانه تئاتر متولی اصلی بوده و سیاست‌گذاری کلان نیست. برای حل ریشه‌ای مسأله، باید قانون، بودجه و سازوکار واگذاری مسئولیت‌ها تغییر کند.

بار دوباره از صفر شروع کنیم و دنبال حمایت موردی باشیم.

درباره جزئیات این حمایت‌ها بیشتر توضیح دهید.

آنگه به ما منتقل شده، در همین حدی است که توضیح می‌دهم. شخصاً مسئول تصمیم‌گیری نیستیم. کار ما این است که جلسه بگذاریم، مطالبه کنیم و بگوییم از گروه‌های تئاتری حمایت شود. آنچه قرار نیست این آثار در سالن‌های خود حوزه هنری اجرا شود و اگر امکانش فراهم شود، در سالن‌های تخصصی‌تر روی صحنه برود. نکته مهم‌تر این بود که استقبال کردند اگر آثار به کیفیت قابل قبول برسند، در شهرهای مختلف هم اجرا شوند. برداشت من این بود که نگاه مثبتی وجود دارد و تأکید اصلی بر تولید و کیفیت است، نه تحمیل نگاه خاص. ما با باشگاه سوره هم جلسه داشتیم و نگاه آنها برای من تا حدی غافلگیرکننده بود. دوستان باشگاه سوره از حمایت‌های کوچک‌تر، مثل در اختیار گذاشتن پلانتو، تا سرمایه‌گذاری در تولید آثار نمایشی اعلام آمادگی کردند. حتی می‌گفتند حاضرند بدون ذکر نام، حمایت کنند. این نگاه برای من جذاب بود. اما واقعیت این است که تا آن مسأله قانونی که اشاره کردم حل نشود، کار اساسی برای بچه‌های تئاتر نمی‌توان کرد.

وزیر فرهنگ در هفدهم فروردین درباره امکان جذب حدود ۷۰۰ همت از مسیرهای مسئولیت اجتماعی در حوزه فرهنگ و هنر صحبت کردند (اگر عدد را درست به خاطر داشته باشم). معتقدم اگر قرار است از مسیر مسئولیت اجتماعی، بودجه‌هایی وارد حوزه فرهنگ و هنر شود، تئاتر باید سهم مشخص خودش را داشته باشد. مثل اتفاقی که در معاونت سینمایی می‌بینیم.

بخشی از بحث به حمایت صنفی و بودجه مربوط می‌شود. اما بخش دیگر به خود هنرمندان مربوط است. آیا این وجود خود ندارد که حمایت از تئاتر به دخالت در خلایقیت هنرمندان تبدیل شود؟

اگر بخواهم خیلی شفاف پاسخ بدهم، باید بگویم هیچ‌کس در تئاتر یا دخالت دولت موفق نیست. من هم، نه خانه تئاتر و نه بدنه حرفه‌ای تئاتر. هیچ‌کس نمی‌پذیرد که حمایت به معنای کار دستوری باشد. طبیعی است که همه ما ذیل قانون کار می‌کنیم، اما آنجایی

خانه تئاتر در حال حاضر خودش هم یک سالن در اختیار دارد. این تجربه چه کمکی به این ایده می‌کند؟

بله و دقیقاً ما از خودمان شروع کرده‌ایم. عمارت خانه تئاتر در خیابان سسمیه بازگشایی شده است. این عمارت سالن و کافه دارد و همین دو بخش می‌توانند برای خانه تئاتر درآمدی ایجاد کنند. این درآمد ثابت می‌تواند به خانه کمک کند تا بخشی از حمایت‌های صنفی را انجام دهد و در عین حال برای اعضا فرصت کار ایجاد کند. چند گروه هم برای دیدن فضا آمده‌اند و متقاضی فعالیت هستند. قرار است با مدلی کار کنند که هم عدد ثابتی به خانه تئاتر برای هزینه‌های حمایتی پرداخت شود، هم از طریق فعالیت در سالن و کافه فرصت شغلی برای اعضا ایجاد شود. بنابراین خانه تئاتر می‌تواند پیشنهاد بدهد، الگو بسازد و از ظرفیت خودش شروع کند. اما باید روشن باشد که خانه تئاتر متولی اصلی بوده و سیاست‌گذاری کلان نیست. برای حل ریشه‌ای مسأله، باید قانون، بودجه و سازوکار واگذاری مسئولیت‌ها تغییر کند.

بخشی از بحث به حمایت صنفی و بودجه مربوط می‌شود. اما بخش دیگر به خود هنرمندان مربوط است. آیا این وجود خود ندارد که حمایت از تئاتر به دخالت در خلایقیت هنرمندان تبدیل شود؟

اگر بخواهم خیلی شفاف پاسخ بدهم، باید بگویم هیچ‌کس در تئاتر یا دخالت دولت موفق نیست. من هم، نه خانه تئاتر و نه بدنه حرفه‌ای تئاتر. هیچ‌کس نمی‌پذیرد که حمایت به معنای کار دستوری باشد. طبیعی است که همه ما ذیل قانون کار می‌کنیم، اما آنجایی

با توجه به همه اتفاقاتی که در این مدت پشت سر گذاشته‌ایم؛ چشم‌انداز شما از تئاتر در سال ۱۴۰۵ چیست؟ آیا تئاتر می‌تواند دوباره روی پای خود بایستد؟

تئاتر از نظر اقتصادی و ساختاری بدنه آسیب‌پذیری دارد. هرچالش بزرگ فشار مضاعفی بر آن وارد می‌کند. با این حال، چیزی در تئاتر وجود دارد که اجازه نمی‌دهد این هنر به نقطه صفر برسد؛ شرافت، عشق و یافشاری بدنه تئاتر.

در بخش خصوصی دیدیم که بعضی از هنرمندانی که مدت‌ها نمایی به کار نداشتند، دوباره به صحنه برگشتند و آثارشان هم جزو کارهای مهم و پرفروش شد. این نشان می‌دهد اگر شرایط

تئاتر از نظر اقتصادی و ساختاری بدنه آسیب‌پذیری دارد. هرچالش بزرگ فشار مضاعفی بر آن وارد می‌کند. با این حال، چیزی در تئاتر وجود دارد که اجازه نمی‌دهد این هنر به نقطه صفر برسد؛ شرافت، عشق و یافشاری بدنه تئاتر.

در بخش خصوصی دیدیم که بعضی از هنرمندانی که مدت‌ها نمایی به کار نداشتند، دوباره به صحنه برگشتند و آثارشان هم جزو کارهای مهم و پرفروش شد. این نشان می‌دهد اگر شرایط

تئاتر از نظر اقتصادی و ساختاری بدنه آسیب‌پذیری دارد. هرچالش بزرگ فشار مضاعفی بر آن وارد می‌کند. با این حال، چیزی در تئاتر وجود دارد که اجازه نمی‌دهد این هنر به نقطه صفر برسد؛ شرافت، عشق و یافشاری بدنه تئاتر.

در بخش خصوصی دیدیم که بعضی از هنرمندانی که مدت‌ها نمایی به کار نداشتند، دوباره به صحنه برگشتند و آثارشان هم جزو کارهای مهم و پرفروش شد. این نشان می‌دهد اگر شرایط

تئاتر از نظر اقتصادی و ساختاری بدنه آسیب‌پذیری دارد. هرچالش بزرگ فشار مضاعفی بر آن وارد می‌کند. با این حال، چیزی در تئاتر وجود دارد که اجازه نمی‌دهد این هنر به نقطه صفر برسد؛ شرافت، عشق و یافشاری بدنه تئاتر.

در بخش خصوصی دیدیم که بعضی از هنرمندانی که مدت‌ها نمایی به کار نداشتند، دوباره به صحنه برگشتند و آثارشان هم جزو کارهای مهم و پرفروش شد. این نشان می‌دهد اگر شرایط



برش



حضور اعضای خانه تئاتر تولید شود.